یادداشت روز

یک تیر و دو نشان

دوشـــنبه، ۷ ژانویه ۱۹۵۲ (۱۶ دی ۱۳۳۰-کمتر از ۱۰ ماه پس از ملی شدن صنعت نفت ایران) مجله آمریکایی تایم یک ایرانی را به عنوان «مرد ســـال ۱۹۵۱» معرفی کرد و چهـــره او را روی جلد خود آورد: «محمد مصدق». تایم در گزارش خود محمد مصدق را با رهبر استقلال آمریکا و اولین رئیس‌جمهور این کشور مقایسه کرد و او را «جورج واشـــنگتن ایران» نامید. نیویورک‌تایمز نیز همان زمان به تجلیل از مصدق پرداخت و او را با چهره‌هایی مانند «توماس جفرسون» از بنیانگذاران آمریکا مقایسه کرد.

رابطه محمد مصدق و دولتش با آمریکا کاملا دوســـتانه بود. کمی قبل از تعریف و تمجید نشـــریات آمریکایی از نخست‌وزیر وقت ایران، او در سفری حدودا ۴۲ روزه به آمریکا پس از حضور در نشســـت شورای امنیت سازمان ملل و دفاع از حق ایران برای ملی کردن صنعت نفت در مقابل ادعاهای انگلستان، میهمان مقامات آمریکایی بود و دیدارهای صمیمانه‌ای با آنها داشـــت. محمد مصدق به دعوت «هری ترومن» رئیس‌جمهور وقت آمریکا از نیویورک به واشنگتن رفت، ترومن در خانه‌اش به صرف ناهار از نخست‌وزیر ایران پذیرایی و پزشک معالج شخصی‌اش را نیز مأمور رسیدگی به وضعیت سلامت او کرد. مصدق خودش می‌گفت در جریان آن سفر «هر یک از رجال آمریکا به ما تبریک و تهنیت گفتند که ایران استقلال سیاسی خود را به دست آورده است.» در دیدار با ترومن او خواستار اعطای یک وام ۱۰۰ میلیون دلاری به ایران شد و تأکید کرد که ایران با هر سودی که دولت آمریکا تعیین کند، این وام را تسویه خواهد کرد. رئیس‌جمهور وقت آمریکا قول همکاری داد و از وزارت خارجه‌اش خواست تا ضمن مذاکره با مصدق به وساطت میان ایران و انگلستان نیز ادامه دهد. مصدق در گزارشی که ۱۹ آذر ۱۳۳۰ از سفر آمریکا به مجلس شورای ملی ایران ارائه داد درباره ارتباط مستمرش با وزارت خارجه آمریکا طی این سفر گفت: «در واشنگتن با آقای مک‌گی (معاون وزیر خارجه آمریکا) مدت ۲۰ روز متجاوز یا ۲۶ روز حالا درست به خاطر ندارم همه روزه در تماس بودم و بعضی روزها اتفاق می‌افتاد که آقای جورج مک‌گی دو مرتبه به دیدن من می‌آمدند و بسیار شخص مهربان و خیرخواهی بودند... آقای جورج مک‌گی با من در این مدت ۲۵ روز مثل یک برادر صمیمی بود. آقای جورج مک‌گی تمام مطالب منطقی دولت ایران را تصدیق می‌کرد.» مصدق پیش از ترک آمریکا طی نامه‌ای به ترومن دوباره درخواست وام را تکرار کرد و وقتی این نامه را به دست «لویی هندرسون» (سفیر وقت آمریکا در ایران) داد تا به مقامات آمریکایی برساند با حالتی ملتمسانه گفت: «اگر آمریکا مایل باشد، ایران آماده و علاقه‌مند است در ازای کمک آمریکا، تمام نفتی را که در حال حاضر موجود دارد با ۵۰ درصد تخفیف به آمریکا بفروشد.»

پیشـــنهادات نخست‌وزیر ملی‌گرای ایران به آمریکا بیش از حد سخاوتمندانه و خوش‌بینی او به کمک‌های واشنگتن بیش از حد ساده‌لوحانه بود! احتمالا محمد مصدق هم مثل غربگرایان امروزی فکر می‌کرد می‌تواند با این پیشنهادات گشاده‌دستانه میان آمریکا و متحدانش شکاف ایجاد کرده و از آمریکا برای تقویت دولت خودش استفاده کند؛ یک تحلیل تکراری، خسته‌کننده و همیشه خســـارت‌بار برای ایران! مقامات آمریکایی برخلاف لبخندهای کش‌دار و وعده‌های امیدبخشی که تحویل مصدق می‌دادند در پشت صحنه از هیچ کوششی برای تضعیف و سرنگونی دولت او دریغ نمی‌کردند.

تقریبا دو ماه از پایان سفر مصدق به آمریکا گذشته بود که دفتر ارزیابی‌های ملی ســـازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) ۲۶ دی ۱۳۳۰ یادداشتی را با این مضمون برای هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا فرستاد: «کمک آمریکا به ایران نه تنها موجب دلسردی و کدورت انگلیس از آمریکا خواهد شد بلکه شاه و جناح مخالف را هم ناامید خواهد کـــرد و احتمال روی کار آمدن «دولتی مطیع» را کاهش می‌دهد.» ترومن نیز در حاشیه یادداشت مذکور نوشت: «من تصور نمی‌کنم لازم باشد ما درحال حاضر این وام را بدهیم.»

با پایان کار هری ترومن به عنوان رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا؛ محمد مصدق این بار به جانشین او که از حزب جمهوری‌خواه آمده بود دل بست. حالا نوبت «دوایت آیزنهاور» بود که نامه‌ها و درخواســـت‌های کمک محمد مصـــدق را ببیند و همان لبخندهای کش‌دار همیشگی را تحویل دهد. نخست‌وزیر ملی‌گرای ایران(!) متوجه تفاوت گفتار و رفتار مقامات واشنگتن شده بود اما همچنان چاره رفع مشکلات کشور را در ارتباط با کاخ ســـفید و جلب حمایت آنها می‌دانست. مصدق ۷ خرداد ۱۳۳۲ در دومین نامه‌اش به آیزنهاور باز هم تقاضای وام و کمک را تکرار کرد و نوشـــت: «امید می‌رفت که در زمان تصدی آن حضرت، توجه بیشـــتری به وضعیت ایران بشود، ولی متاسفانه هنوز در روش دولت آمریکا تغییری حاصل نشده است... ملت ایران امیدوار است که با مساعدت و همراهی دولت آمریکا موانعی که در راه فروش نفت ایران ایجاد شده برطرف شود و چنانچه رفع موانع مزبور برای آن دولت مقدور نیست کمک‌های اقتصادی مؤثری بفرمایند تا ایران بتواند از ســـایر منابع خود استفاده نماید.» پاسخ آیزنهـــاور به نامه مصدق آن‌قدر تحقیرکننده و یأس‌آور بود که مصدق خودش گفت: «اگر چرچیل (نخست‌وزیر وقت انگلیس) به نامه ما جواب می‌نوشت این طور زننده و صریح تقاضای ما را رد نمی‌کرد!»

حقیقت این بود که پیش از نامه‌های مصدق به آیزنهاور، یعنی در ۱۸ دی ۱۳۳۱ طرح جامع سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) برای انجام عملیات کودتای نظامی در ایران توسط شورای راهبردیِ حیاتیِ آمریکا تصویب شده بود و چهار روز پس از آخرین نامه مصدق به آیزنهاور یعنی در ۱۱ خرداد ۱۳۳۲ وزارت خارجه آمریکا نقشه عملیات آژاکس را با جزئیاتش بررسی کرد. حالا دیگر از آن لبخندهای کشدار هم خبری نبود. محمد مصدق بر دوستی و ارتباط با آمریکا پافشاری می‌کرد و برای اثبات این دوستی پیشنهادهای دســـت و دل بازانه‌ای نیز به آمریکایی‌ها داد، در دولت او ایران نه توان نظامی برای تهدید منافع آمریکا داشت و نه کسی سفارت آمریکا را تسخیر کرده بود؛ اما آمریکایی‌ها ابتدا با انتشار نامه‌های ملتمسانه مصدق به آیزنهاور در رسانه‌ها، او را تحقیر و سپس با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولتش را سرنگون کردند. دو روز پیش از سقوط دولت مصدق، مجله آمریکایی تایم، همان مجله‌ای که عکس مصدق را روی جلدش زده و او را مرد سال ۱۹۵۱ همتای جورج واشنگتن نامیده بود؛ این بار در گزارشی محمد مصدق را با هیتلر و استالین مقایسه کرد و دشمن دموکراسی و هوادار شوروی نامید.

با ســـرنگونی دکتر مصدق و بازگشت محمدرضا پهلوی به قدرت، یکی از اولین اقداماتی که آمریکایی‌ها در ایران انجام دادند؛ تشـــکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) بود تا با سرکوب افراد و جریان‌های سیاسی مطمئن شوند دیگر حتی کسی مثل محمد مصدق بر سر کار نمی‌آید که مانع «حکومت مطیع‌شان» شود!

با این حساب باید به انقلابیون سال ۱۳۵۷ حق داد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن، سفارت آمریکا در تهران را به چشم اتاق جنگ و کودتا علیه انقلاب اسلامی مردم نگاه کنند. اتفاقا این ذهنیت آنها چندان دور از واقعیت نبود! «الکساندر هیگ» در ژانویه ۱۹۷۹ (دی ۱۳۵۷) فرمانده عالی نیروهای متفق در اروپا بود که دستور رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اعزام معاونش «رابرت هایزر» به تهران، به او ابلاغ شد. هیگ می‌گوید: «مذاکرات بعدی با مقامات کاخ سفید نشان داد که هدف، به راه انداختن یک کودتا در ایران است.» این همان چیزی بود که هایزر نیز پس از حضور در تهران طی گفت‌وگوهایش با فرماندهان عالی ارتش شاهنشاهی ایران بر آن تأکید می‌کرد: «کار اساسی من تحقق زمامداری بختیار است... اگر این کار شکست بخورد یکراست به سوی شق بعدی، یعنی کودتای نظامی، خواهیم رفت.» هایزر که در سفارت آمریکا در تهران مستقر شده بود و از آنجا دستورات را دریافت و اقداماتش را پیگیری می‌کرد با گذشت چهار روز ارزیابی ناامیدکننده‌ای از وضعیت ارتش شاهنشاهی ارائه داد و در گزارش ۱۹ دی ۱۳۵۷ خود نوشت: «این که ارتش یک ضعف عمومی داشت انکارناپذیر بود. ارتش آموزش ندیده بود که فی نفســـه مشـــکلات را حل کند.» او هم تقریبا با «ویلیام سولیوان» (سفیر وقت آمریکا در تهران) هم‌نظر شده بود: «ارتش ایران به جایی رسیده است که توان انجام هیچ کاری را ندارد.» برخلاف ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این بار اوضاع آن‌طور که ساکنان کاخ سفید می‌خواستند پیش نمی‌رفت و امکان کودتا توسط ارتش وجود نداشت؛ البته آنها هرگز ناامید نشدند.

در تمام روزهای پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷؛ ســـفارت آمریکا در تهران نیم‌نگاهی به کودتا در ایران داشت و اخبار و اقدامات مربوط به آن را دنبال می‌کرد. ۵ اکتبر ۱۹۷۹ (۱۳ مهر ۱۳۵۸) جیمز بیل، استاد دانشگاه تگزاس طی سخنانی در انستیتو خاورمیانه در هتل میفلاور واشنگتن که نسخه‌ای از آن برای سفارت آمریکا در تهران ارسال شد، به ضرورت شکل‌گیری قدرت نظامی کنترل‌کننده در ایران اشاره کرد و گفت: «ایران بایستی که یک وسیله اعمال زور مرکزی داشته باشد و فقط ارتش است که می‌تواند ایفاکننده چنین نقشی باشد.» حتی تا یک هفته پیش از تسخیر سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، کارکنان سفارت آمریکا مشغول ارزیابی احتمال موفقیت کودتا در ایران و ارسال گزارش‌های خود در این زمینه برای واشنگتن بودند.

«توماس آهرن» مأمور ارشد سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) در سفارت که با پوشش افســـر کنترل مواد مخدر فعالیت می‌کرد همان زمان در گزارشی برای «استانســـفیلد ترنر» (رئیس وقت CIA) نوشـــت: «درصورتی که ارتش از کســـی طرفداری کند اوضاع می‌تواند صورت دیگری پیدا کند، اما آنها (ارتشی‌ها) هنوز کاملاً وحشت‌زده‌اند. انضباط‌شان ضعیف است و اشتیاق حرفه‌ای عملاً وجود ندارد.»

ســـفارت آمریکا در تهران علاوه‌بر اقدامات لازم و امکان‌سنجی‌های کافی برای راه‌اندازی کودتا علیه انقلاب اسلامی، راهبرد دیگری را نیز برای نفوذ در ساختار سیاسی و قدرت اجرائی ایران با هدف به انحراف کشـــیدن انقلاب دنبال می‌کرد. در آستانه پیروزی انقلاب بود که «پل کانسلر» مشاور سیاسی سفارت آمریکا به رابطان سفارت آمریکا در گروه‌های میانه‌رو توصیه کرد به «مهدی بازرگان» نزدیک شوند: «به منظور راهنمایی بیشتر مذاکرات نزدیکی با افراد میانه‌رو مذهبی مانند بازرگان داشته [باشید].» ویژگی‌های شخصی و اجتماعی بازرگان باعث شده بود تا سفارت آمریکا بتواند طیفی از رابطین خوب خود را در کنار او قرار دهد. افرادی که بعدها اکثر اعضای کابینه او در دولت موقت را شکل دادند. به گفته سولیوان چنین دولتی «از روی کار آمدن یک رژیم افراطی جلوگیری می‌کرد.» با تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ این سرمایه‌گذاری آمریکا نیز به باد رفت چون دولت موقت یک روز بعد در اعتراض به تســـخیر سفارت آمریکا اســـتعفا داد و در حالی که اصلا فکر نمی‌کردند با این اســـتعفا موافقت شود؛ امام خمینی(ره) با استعفای آنان موافقت کرد. در واقع دانشجویان انقلابی با تسخیر سفارت آمریکا هم اتاق فرمان کودتا علیه انقلاب را مختل کردند و هم ضربه سختی به برنامه‌ریزی آمریکا برای انحراف انقلاب زدند. آنها با یک تیر دو نشان را هدف گرفتند.

سید محمدعماد اعرابی

«سعید جلیلی» در نشست با دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی:

مشکلات اصلی مردم گرانی، مسکن و اشتغال است اما بحث‌های سیاسیون غیر از این است

عضو شورای عالی امنیت ملی در جمع دانشجویان گفت: مشکلات اصلی مردم گرانی، مسکن و اشتغال است اما بحث‌های سیاسیون غیر از این است.

ســـعید جلیلی، نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی، صبح روز دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴، در نشست با دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، در ســـخنانی با موضوع جنگ نرم و اهمیت حضور علمی و فکری جوانان، بر ضرورت شناخت جبهه فرهنگی امروز تأکید کرد و گفت: امروز نباید تصور کنیم جبهه رویارویی فقط در صنعت یا فناوری اســـت؛ بخش مهمی از تقابل تمدنی در عرصه نرم‌افزاری و روایت‌سازی شکل گرفته است.

وی افزود: بحث «چالـــش ارتجاع و پیشرفت» ناظر به این است که یک ملت انقلابـــی، وقتی تصمیم می‌گیرد مســـیر وابستگی، دیکتاتوری و تحمیل را نپذیرد، در واقع می‌گوید: «مـــن نمی‌خواهم زیر ســـلطه باشـــم، نمی‌خواهم دیگران برایم تصمیم بگیرند». ایـــن روحیه انقلابی در مقاطع مختلف تاریخ ما خود را نشان داده است؛ اما امروز دشمنان می‌خواهند همان ملـــت را وادار کنند که برای هر اقدامی از آن‌ها اجازه بگیرد. می‌گویند مذاکره کنید، اما در همان زمان مذاکره، موشک شلیک می‌کنند و فشار می‌آورند. این همان چهره ارتجاع است؛ بازتولید همان سلطه‌طلبی در لباسی جدید. شـــاخص جریان ارتجاع در روزگار ما القای یأس و بن‌بســـت است. رسانه‌های غربی شبانه‌روز در تلاش‌اند تا امید را از جامعه بگیرند، نقاط قوت کشور را انکار کنند، واقعیات را وارونه جلوه دهند و تصویری تحقیرآمیز از ملت ارائه دهند.

جلیلی خاطرنشان کرد: همین امسال، در همین چند ماه گذشته، وسط مذاکره موشک می‌زند. ارتجاع چیست؟ اینکه بگویی دوباره برویم سر همان موضوع مذاکره کنیم.

نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: ارتجاع یعنی القای این ذهنیت که پیشرفت ممکن نیست مگر با هماهنگی با دشمن و تبعیت از بیگانه. این همان نگاه وابسته و تحقیرشده‌ای است که انقلاب اســـلامی در برابر آن قیام کرد. اما جریان پیشرفت درست در نقطه مقابل این تفکر قرار دارد. این جریان بر شناخت نقاط قوت، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های درونی و درک دقیق رفتار دشـــمن تأکید می‌کند. هر کشوری ضعف‌هایی دارد، اما ضعـــف را با ضعف نمی‌تـــوان از بین برد؛ ضعف را باید با تقویت توانایی‌ها و استفاده از ظرفیت‌های واقعی جبران کرد. وقتی نقاط قوت ملت دیده نشود و به جای آن تحقیر و ناامیدی القا گردد، موتور حرکت جامعه از کار می‌افتد. جلیلی همچنین بیان داشت: مشـــکلات اصلی مردم گرانی، مسکن و اشتغال است اما بحث‌های سیاسیون غیر از این است.

وی در ادامـــه گفـــت: رفتار ارتجاعی یعنی ایجاد تردید در توان ملت. می‌گوید: «نداری»، «نمی‌توانی»، «ببین چقدر عقب مانده‌ای»؛ در حالی که این ســـخنان خود ابزار بازدارندگی و فلج کردن حرکت جامعه اســـت. البته دیدن ضعف‌ها لازم اســـت، امـــا باید آن‌ها را در جهت رشـــد و اصلاح بـــه کار گرفت، نه بهانه‌ای برای انکار همه چیز. همین تردیدآفرینی و غبارآلود کردن مرزهاست که فتنه نامیده می‌شود؛ فتنه یعنی گم کردن شاخص‌ها، یعنی ندانستن مسیر درست، یعنی گرفتار شدن در ابهام و بی‌تصمیمی. در مقابل، جریان پیشرفت مرزها را شفاف می‌کند و راه را روشن نگه می‌دارد. امروز دشمن از ملت ایران عصبانی است، نه صرفا به خاطر گذشته، بلکه به دلیل آینده‌ای که از این ملت می‌ترسد. آمریکا می‌داند که ایران امروز می‌تواند الگویی از استقلال، مقاومت و پیشرفت برای دیگر ملت‌ها باشد. آن‌ها از فردای ایران بیمناک‌اند، چون می‌دانند این ملت اگر مسیر خود را با امید و اعتماد به نفس ادامه دهد، معادلات جهان را تغییر خواهد داد.

آنچه در رسانه‌های غربی می‌بینید تلاش برای وارونه‌نمایی واقعیت است

به گزارش فارس، جلیلی افزود: آنچه در رسانه‌های غربی می‌بینید، تلاش برای وارونه‌نمایی همین واقعیت است. می‌گویند ملت ایـــران منزوی اســـت، در حالی که انزوا زمانی معنا دارد که کشـــوری منزوی از افـــکار عمومی جهان باشـــد؛ اما امروز شعارهایی که ملت ایران از ابتدای انقلاب درباره‌ی دفاع از مظلومان، از جمله مردم فلسطین، سر داده بود، اکنون در خیابان‌های آمریکا، کانادا و کشورهای اروپایی شنیده می‌شود. این یعنی ملت ایران پیشتاز است، نه منزوی.

وی خاطرنشان کرد: در این عصر که عصر «روایت‌ها»ســـت، مهم آن است که ملت‌ها روایت خود را از حقیقت حفظ کنند و اجازه ندهند دشمن روایت تحریف‌شده خود را غالب سازد. همان‌طور که در یکی از مقالات اخیر اندیشمندان غربی نیز آمده، آمریکا از دیروز و امروز ایران خشـــمگین اســـت، اما از فردای ایران بیـــم دارد؛ زیرا می‌داند ملتی که بر آرمان‌هایش ایستاد و امید را در دل خود زنده نگه داشت، آینده‌ای را رقم خواهد زد که در آن، دیگر خبری از سلطه و وابستگی نخواهد بود.

همه رشته‌ها مهم‌اند چون در هر کدام یک جبهه فکری و تمدنی وجود دارد

وی با اشـــاره به مواضع اخیر یورگن هابرماس، فیلسوف آلمانی، افزود: همین چند روز پیش، هابرماس در بیانیه‌ای اقدامات رژیم صهیونیستی را توجیه کرد و گفت این اقدامات خلاف اصول نیست! اینجاست که باید این جریان‌های فکری را شـــناخت تا کسی این رفتارها را به نام آزادی به ما معرفی نکند. جلیلی با اشاره به اهمیت حضور جدی دانشجویان در همه رشته‌ها خاطرنشان کرد: بسیاری از دانشجویان در ابتدای تحصیل می‌پرسند آیا رشته ما به درد می‌خورد یا نه؟ باید گفت همه رشته‌ها مهم‌اند، چون در هرکدام یک جبهه فکری و تمدنی وجود دارد. امروز حتی در رشته زبان و ادبیات هم دشمن در حال سرمایه‌گذاری است.

به گزارش مهـــر، وی به مقاله‌ای در مجله Foreign Affairs اشـــاره کرد و گفت: «یک اســـتاد زبان انگلیسی در این مجله مقاله‌ای نوشته و با افتخار از مفهومی به نام پیچیدگی روایت سخن گفته است. او می‌گوید روایت، ابزار اصلی درگیری‌های امروز اســـت و با روایت می‌توان ذهن‌ها را تسخیر کرد. این همان جبهه نرم و پنهانی است که علیه ملت‌ها به کار گرفته می‌شود.

جلیـــلی افـــزود: ایـــن نویســـنده در مقالـــه خـــود با اســـتناد بـــه کتاب Seduced by Story نوشـــته پیتـــر بروکس می‌گوید: مـــا در جهانی زندگی می‌کنیم که گوینده بهتریـــن روایت، بر کسی که واضح‌ترین استدلال را دارد پیروز می‌شود. این یعنی جاهلیت مدرن؛ یعنی جامعه‌ای که در آن منطق جای خود را به هیاهو و روایت داده است.

نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی با اشاره به تحلیل مرحوم علامه عسکری در کتاب القرآن الکریم و روایات المدرســـتین ادامه داد: علامه عســـکری می‌گویـــد در دوره جاهلیت، برتری از آن کســـی بود که بیشتر می‌توانست جنجالّ کند نه کســـی که منطق داشـــت. همان زمان، قبایـــل جاهلی همان‌قدر که دنبال جنگجو می‌گشتند، دنبال شاعر هم بودند چون شعر رسانه بود و می‌توانست از صد سرباز مؤثرتر باشد.

جلیلی تصریح کرد: امروز همان منطق جاهلی با ابزارهای جدید بازتولید شـــده اســـت. در دنیای شبکه‌های اجتماعی هر که زودتر روایت کند و بیشتر منتشر شود، غالب می‌شود. در چنین جامعه‌ای استدلال اهمیت ندارد و این ویژگی اصلی جاهلیت مدرن است.

وی تأکیـــد کرد: در برابر این جریان، همه ما مسئولیم. هر دانشجو و نخبه‌ای باید در رشته خود جبهه‌ای باز کند. از سیاست و اقتصاد تا رســـانه و ادبیـــات، هر عرصه می‌تواند میدان مبـــارزه‌ای برای حقیقت باشد. شرطش این است که با تأمل، ایمان و تعهد وارد شویم و نگذاریم روایت باطل، جای حقیقت را بگیرد. نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی، در نشست با دانشـــجویان دانشگاه علامه طباطبایی، با انتقاد از سیاست‌های علمی و امنیتی غرب گفت: امنیت ملی قدرت‌های غربی به‌گونه‌ای تعریف شده که می‌گویند باید تا صد سال آینده رهبری جهان را در اختیار داشـــته باشند و نباید اجازه دهند دیگر کشورها از نظر علمی و فناوری به آن‌ها نزدیک شوند.

وی در سخنانی تأکید کرد: این تفکر محدود به یک دولت یا حزب خاص نیست؛ در اسناد رسمی دولت‌های مختلف آمریکا، از جمله دوران ترامپ، تصریح شده که فاصله علمی و اقتصادی با دیگر کشـــورها باید حفظ شود. معنای این سخن آن است که آنان عملاً تصمیم می‌گیرند ملت‌های دیگر تا چه اندازه حق پیشرفت دارند.

جلیـــلی با اشـــاره به ترور اســـاتید دانشگاه‌های ایران در سال جاری گفت: در همین سال ۲۰۲۵، از هزاران کیلومتر آن سوتر موشک و جنگنده به پرواز درمی‌آورند تا خانه یک اســـتاد دانشگاه را هدف قرار دهند. در این حملات، ۱۴ استاد برجسته ایرانی به شهادت رسیدند. گناه آنان تنها این بود که می‌خواستند آزادانه و مستقل برای ملت خود تحقیق کنند.

وی افزود: غربی‌ها در ظاهر از آزادی و دموکراسی سخن می‌گویند، اما در عمل حتی جهت علم را نیز خود تعیین می‌کنند. در برجام بندی وجود داشت که می‌گفت ایران باید دامنه و سطح تحقیقات خود را با غرب هماهنگ کند. این یعنی علم را هم می‌خواهند انحصاری سازند.

نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی با اشـــاره بـــه تناقض گفتار و رفتار کشـــورهای غربی یادآور شد: همان دولت‌هایی که سه سال پیش در ماجرای یک حادثه برای یک نفر در ایران اشک تمساح می‌ریختند، امروز در برابر ترور ۱۴ استاد دانشگاه ایرانی سکوت کرده‌اند. این نشان دهنده ایدئولوژی سلطه و تبعیض در رفتار آن‌هاست. جلیلی با گرامیداشت روز ۱۳ آبان گفت: دانشگاه مبدأ تحولات جامعه است. همان‌گونه که در گذشته دانشجویان در برابر سلطه ایستادند، امروز نیز باید نقش تاریخی خود را ایفا کنند و اجازه ندهند غرب جهت علم و پیشرفت ما را تعیین کند.

به جای گفت و شنود

تربت بی‌نشانش نشانه راه است

امروز به روایتی با ســـالروز شـــهادت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها همزمان اســـت، دختر بزرگوار رسول خدا(ص) که پرتو وجود مبارکش نه فقط دنیای اســـلام بلکه سراسر جهان دین‌باوران و انسان‌دوستان را نورباران کرده است. از این روی و در ســـوگ آن عزیز، ســـتون گفت و شنود امروز را به بخشی از یک یادداشـــت کیهان اختصاص می‌دهیم و عذر تقصیر می‌آوریم که «برگ سبزی است تحفه درویش، چه کند بی‌نوا ندارد بیش»!

«زهرا(س)، آن روزها، بعد از رحلت رســـول خدا(ص) و پیش از آنکه، خود نیز چشـــم از جهان فرو بندد و در جوار قرب الهی به پدر چشم انتظار خویش بپیوندد، بارها کوچه‌های مدینه را کاویده بود و به دیدن برخی از «خواص» رفته بود، فاطمه(س) با دلواپسی سفارش‌های رسول خدا(ص) را به آنان گوشزد کرده بود و عهدی را که با خدا بسته و اکنون بی‌محابا شکســـته بودند، به یادشان آورده بود. اما، دلشوره فاطمه(س) که اصرار او را در پی داشت، پاسخی جز سکوت برخی از خواص را به دنبال نداشت و چنین بود که صدای فاطمه(س) در سکوت سنگین و ســـؤال‌آفرین آن روزها گم شد. زهرای ما(س) می‌دانست که اگر مردم از ولایت علی(ع) دور شوند بی‌تردید به پذیرش ولایت حاکمان جور، مجبور می‌شوند.

فاطمه(س) در محرومیت جهان اسلام از امامت علی(ع)، «فتنه جمل» را می‌دید، نعره مســـتانه معاویه در فریب صفین را می‌شنید، در «نهروان»، جهالت خوارج را می‌نگریســـت و در سحرگاه خونین نوزدهم رمضان ســـال چهلم هجری در محراب مسجد کوفه بر فرق شکافته علی(ع) می‌گریست، اشرافیت بر باد رفته را می‌دید که بار دیگر به میدان آمده، حســـن(ع) را که از محرومیت مردم گرفتار در چنگال معاویه خون دل می‌خورد و ســـر مطهر حسین(ع) را می‌دید که در هنگامه خون و فریب اشراف بر نیزه می‌رود، یزید را می‌دید که سر بریده فرزند رسول خدا(ص) را پیش روی نهاده، بر لب و دندان او می‌زند و اجداد به هلاکت رســـیده خود در «بدر» و «حنین» را به تماشـــای انتقام می‌خواند! و... مردم مظلوم را که در چنگال خونریز «بنی‌امیه» و «بنی‌عباس» گرفتارند و جماعت مسلمانان را که انگشت پشـــیمانی به دندان می‌گزند و دست حسرت بر پیشانی می‌زنند که کاش ولایت علی(ع) آن دوســـتدار محرومان و حامی مظلومان را پاس می‌داشـــتند تا ولایت حجاج‌بن یوســـف‌ها و منصور دوانقی‌ها که خونریز و انسان‌ســـتیزند را به زور بر گرده خویش نمی‌داشتند. فاطمه(س)، این همه را می‌دید که آن همه دلواپس بود.

تاریخ‌نویسان و وقایع‌نگاران در صدر اسلام برخی از کوچک‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین رخدادهای آن روزها را با دقت و شرحِ جزئیات آن ثبت کرده‌اند که امروزه در دست و قابل مراجعه است. مثلاً این که خانه فلان سردار اسلام در کدام نقطه قرار داشت و فلان شخصیت صدر اسلام در کدام جنگ و حتی در کدام نقطه از میدان جنگ به شهادت رسید و یا فلان شخص با نیزه حمله می‌کرد یا با شمشیر و... بنابراین آیا تعجب‌آور نیست که تربت پاک دختر پیامبر خدا(ص) با آن همه نقش برجسته‌ای که در اسلام داشته است و آن همه فضیلت و شأن والایی که از قول رسول خدا(ص) درباره آن حضرت نقل شده است «بی‌نشان» باقی بماند؟! و این بی‌نشانی توصیه و سفارش اکید خود آن حضرت باشد؟ فاطمه(س) با بی‌نشانی تربت خود، نشانه‌ای گویا و ماندگار بر پیشانی تاریخ ثبت کرده و برای همیشه برجای نهاده است. تربت پنهان فاطمه، نشانه آشکاری از نارضایتی زهرای مرضیه است و گزارشی ماندگار از انحرافی است که بعد از رحلت رسول خدا(ص) اتفاق افتاده بود. فاطمه با بی‌نشانی تربت خود، صراط مستقیم را به آیندگان نشان داده است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* در دنیایی که قانون جنگل توسط شیطان بزرگ حاکم است، باید شاهد این باشیم که در طول دو سال جنگ، رژیمی وحشی و سگ هار دست‌آموز شیطان بزرگ بیش از ۲۰۰ هزار تن بمب بر ســـر غزه مظلوم بریزد که چیزی بیش از ۱۳ برابر بمب استفاده شده در هیروشیما است؟!

ندرخانلو

* خداوند بر درجات شـــهید عزیز حاج همت بیفزاید که می‌گفت؛ مبادا ضعف برخی مســـئولان، شما را ضعیف کند! مبادا دنیازدگی برخی مدیران، شما را از هواداری انقلاب دور کند...!

علی‌نژاد

* فرازی از وصیت‌نامه سردار شهید رحیم آنجفی فرمانده تیپ یکم لشکر ۱۷ علی‌بن ابی‌طالب(ع)؛ خواهرم؛ محجوب باش و باتقوا، شـــمایید که دشمن را با چادر سیاهتان و تقوایتان می‌کُشید. حجاب تو سنگر تو است، تو از داخلِ حجاب، دشمن را می‌بینی و دشمن تو را نمی‌بیند.

روشنی

* فلسطینی‌ها هرگز فراموش نخواهند کرد در حالی که ترامپ و نتانیاهو یک هولوکاست زنده علیه غزه به راه انداختند، مسلمانان از امارات متحده عربی تا مالزی به معنای واقعی کلمه برای آنها رقصیدند و به مرگ دسته‌جمعی و ظلم وحشیانه مردم فلسطین خندیدند.

میرزایی

* حقـــوق نظامیـــان و پرســـتاران آمریکا قطع شـــد، اما در ســـکوت کامل و بدون رســـانه‌ای شدن! بدون اعلام اینترنشـــنال، بدون اعلام بی‌بی‌سی، اما در جمهوری اســـلامی ایران اگر حقوق یک دانشجو ساده قطع بشود، تا یک هفته صهیون‌اینترنشنال گزارش لحظه‌ای می‌دهد و از مردم با غیرت ایران می‌خواهد که به خیابان‌ها بیایند!

یازرلو

* با توجه به گذشـــت سه سال از شـــهادت آرمان عزیز که به قتل صبر کشته شده و نه یک نزاع خیابانی، که درگیر پیدا کردن کسی باشیم که ضربه نهائی را زده باشد، از دستگاه قضائی به جد می‌خواهیم که قاتلان را هرچه سریع‌تر به سزای اعمال ننگینشان برساند.

عزیزی، لعلی، میثمی و...

* امروز دیگر تنفر از رژیم جعلی در جهان فراگیر شده و این رژیم دیگر جایی در سراســـر گیتی ندارد. هرچه رســـانه‌ها جنایت‌هایشان را بپوشانند و هرچه با ترور فرماندهان مقاومت را به شهادت برسانند، دیگر نمی‌توانند جلوی نشر تفکر مقاومت را بگیرند. بازیکن تیم اسرائیل می‌گوید بازیکن‌های ایتالیا در تمام بازی ما را فحش می‌دادند.

توفیق

* آقای روحانی گفته من تلویزیون نگاه نمی‌کنم. صداوسیما در چارچوب اسلام کار نمی‌کند! آیا شـــما که ۸ سال با عملکرد نامناسب، مردم ایران را در مضیقه اقتصادی قرار دادید در چارچوب منافع و مصالح اسلام و مسلمین بود؟

نیّری

* هایم برشیت، فیلمساز اســـرائیلی در سخنانی بی‌سابقه گفت؛ چیزی به نام راه‌حل دو کشـــوری وجود ندارد، هر راه‌حلی که صهیونیســـم را زنده نگه دارد، بی‌ارزش است. نسل‌کشی بیماری نیست، بلکه نشانه بیماریِ صهیونیسم است! ان‌شاءالله جهان به‌زودی شاهد محو این غده سرطانی باشد.

فخاری‌مقدم

* مطابق گزارش صندوق بین‌المللی پول، ســـهم دلار از ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۵ به حدود ۵۶ درصد رسیده که کمترین سطح طی سه دهه گذشته است. این روند همراه با افزایش تقاضای جهانی برای طلا و حرکت کشورهای بزرگ به سمت متنوع‌سازی ذخایر ارزی، نشانه روشنی از عبور تدریجی جهان از نظم پولی تک‌قطبی و تضعیف تدریجی سلطه دلار است.

عبدلی

* تمام اقداماتی را که ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا علیه ونزوئلا با هدف توجیه جنـــگ انجام داده و می‌دهد، برای تغییر نظام و غارت ثروت نفتی این کشـــور نفت‌خیز است. اگر ونزوئلا نفت، گاز، طلا و زمین‌های حاصل‌خیز نداشت، شاید حتی نامی از آن برده نمی‌شد.

تدین

* طی سال‌های اخیر اقداماتی در زمینه تجارت غیردلاری در کشور انجام شده اســـت. اما فاصله تا وضعیت پایدار و فراگیر همچنان قابل توجه اســـت. اکنون زمان آن رسیده که دولت با تسریع در ایجاد پیمان‌های پولی دوجانبه، اصلاح مقررات ارزی و پیوســـتن فعال به سامانه‌های پرداخت غیردلاری، جایگاه ایران را در نظم مالی جدید تثبیت کند.

ساربانی

* مهم‌ترین هدف راهبردی رژیم صهیونیستی، نابودی «شهر زیرزمینی» مقاومت در غزه بود. اما کاتس، وزیر جنگ رژیم صهیونی اعتراف کرده حدود ۶۰ درصد از تونل‌های حماس دست‌نخورده و عملیاتی هستند. باید توجه داش